

عبدالکریم سروش و دارمکافات

بانک برآمد زخرابات من
کای سحر اینست مکافات من

"حادثه نادری که در ایام اخیر در کشور ما اتفاق افتاد و رئیس جمهور باخواست عمومی مردم و بایک حرکت مدبرانه امام از صحنه سیاست حذف شد، از آموزنده ترین و عبرت انگیزترین حوادث سیاسی کشور ما در دوران جمهوری نوپای اسلامی ایران بود و به گمان من شایسته همه گونه تامل و تعمق است و دولتمردان و اندیشمندان ما باید همیشه این حادثه را نصب العین خود قرار دهند و برای آینده سیاسی این آب و خاک از آن درسهای سیاسی بیاموزند."

این سخنان دکتر سروش است که برای توجیه کودتای خرداد ۱۳۶۰، طی مصاحبه ای با مجله سروش بر زبان جاری کرده است. و در خلال آن سعی دارد کودتا را حاصل قیام مردم جلوه گر کند.

چندروز قبل از مصدوم شدن ایشان توسط "مردم" درقم، برحسب اتفاق به جزوه ای برخورد کرده بودم که انجمن دانشجویان در امریکا و کانادا- حوزه دنتون، بنام "معامله سیاسی منافقین با بنی صدر"، که در حقیقت مصاحبه ای است با مجله سروش شماره های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ منتشر کرده بودند. چند روز بعد که آن اتفاق ناگوار برایش رخ داد، ناگهان به یاد شعر بالا افتادم. حیقم آمد تجربه ای که از این حادثه آموختم را با شما خواننده عزیز در میان نگذارم. فراز هائی دیگر از این مصاحبه را در زیر می آورم:

اکنون هم ما خوشحالیم که این درد یعنی داشتن چنین رئیس جمهور نامطلوبی در این کشور به پایان رسیده است و ...
...مردم آموختند که انگیزه پاک در اعمال بنی صدر وجود نداشته است، یعنی عبادت ظاهرا برقرار بود، رکوع، سجود، قرائت کامل، اما آنچه که نبود روبه قبله بودن بود، به همین خاطر همه پس از مدتی متوجه بطلان این نماز شدند. بنابراین همانطور که یک بدن سالم یک عضو فاسد را دفع میکند، او را دفع کردند.

بنی صدر متاسفانه برخلاف آنچه که ادعا میکرد که مردم شناس و جامعه شناس است، هرگز مردم خود را نشناخت و هرگز این دریای انقلاب جامه او را ترهم نکرده بود، چه جای اینکه در روح او تاثیر کرده باشد. تنها کسانی میتوانند در این اجتماع ما مورد قبول مردم باشند که این آتش انقلاب قدری جامه آنان را سوزانده باشد...

... و او همچنان بر مقامات دنیوی گام می نهاد و از نردبان آن بالامیرفت (و خداوند هم باو فرصت زیادی داد، همان که در قرآن به آن املاء اطلاق میشود و اوبسیاری از مقامات بلند مملکت ما را یکجا در اختیار گرفت: از ریاست جمهور، از ریاست شورای انقلاب، فرماندهی کل قوا و از محبوبیتی که بواسطه سخنرانیهاییداکرد...

آن صدای عظیم که بگوش جهان نیز رسید، همان فریادهائی بود که مردم ما در خیابانها کشیدند و او وقتی سیاست را با صداقت عوض کرد مقدمات سقوط خود را فراهم کرد و مردم خواهان سقوط او شدند.

...به گمان من سقوط بنی صدر یک چشم انداز زیبای دیگری هم در جامعه ما داشت و آن همین بود که مردم نشان دادند که شخص پرست نیستند.

و وقتی فردی هرچه قدرتمند و هرچه دارای مقام بلند دنیوی باشد اگر پایش را از جاده حق بیرون نهاد او را باید برانداخت...
بنی صدر مدعی بود که اسلام شناس است و صدوچند علم اجتهاد را میداند، در حالیکه از معناکردن یک جمله عربی عاجز بود و در سخنرانیهایش آیات قرآن را نمی توانست بخواند...

در این که بنی صدر مردم را به مقاومت دعوت کند، هیچ امر عجیبی نیست، بنی صدر وقتی در اینجا بود مردم را به مقاومت دعوت کرد و الان هم به خاطر اینکه به مردم بقبولاند که من همانم و عوض نشده ام، مجبور است که همان سخن را تکرار کند.

...یعنی می ایستم یعنی اگر کسی از ظاهر سخن او در همین جا هم نظر میکرد، می دید که او در برابر امام ایستاده است، و این ایستادن او همان بود که باعث سقوط او شد و معول همان محیط شناسی او و امام شناسی او بود.

باور کنید که این سخنان متناقض و کینه توزانه از زبان یک فیلسوف بیرون آمده اند. آدم افسوس میخورد که چگونه اختلافات شخصی و حسادتها و کینه ها را این روشنفکران و سیاستمداران به درون جامعه منتقل میکنند و خسارات جبران ناپذیری را به مردم تحمیل می نمایند. به هر حال هدف در اینجا تحلیل این سخنان و طرح این سؤال که آیا با این سخنان (برفرض صحت آنها) میتوان بر ضد یک منتخب ملت کودتا نمود که دکتر سروش آن را تأیید میکند، نیست. هدف اینست که روشن شود، وقتی که رجال سیاسی برای مسائل شخصی یا منافع گروهی با ترغیت قانون شکنی کار خود را پیش میبرند، زمینه را برای تجاوز به قانون و حقوق دیگران ایجاد مینمایند. وقتی چنین اقداماتی در جامعه نهادینه شد، روزی گریبان خود آنها را خواهد گرفت. به همین دلیل، صدای "همان فریادهائی بود که مردم ما در خیابانها کشیدند" بعد از کودتا همچنان در خیابانها و درون منازل به گوش میرسند و بادش هم اخیرا در قم از بیخ گوش آقای سروش عبور کرد. معلوم نیست تا چه حدی مسئولیت کتک خوردن آقای سروش با خود ایشان است. اما بر همگان است که هرچه زودتر این میراث زشت و شوم که به نوعی از فرآورده های کودتائی است که برای آقای سروش یک چشم انداز زیبا بوده است را از میان بردارند.